

تأثیر سبک دلبستگی و احساس تنهایی بر رفتارهای ضداجتماعی دختران نوجوان شهر تهران

اعظم حسنی^۱
دکتر فرامرز سهرابی^۲

چکیده

امروزه رفتارهای ضداجتماعی نوجوانان به عنوان بحرانی پیچیده و رو به گسترش، توجه بسیاری از متخصصین را به خود معطوف کرده است. این پژوهش، از میان عوامل متعدد روانی - اجتماعی به بررسی تأثیر سبک دلبستگی و احساس تنهایی دختران نوجوان بر رفتارهای ضداجتماعی آنان پرداخته است.

به منظور رسیدن به اهداف تحقیق در مرحله‌ی اول ۱۵ نفر از دختران نوجوان مراکز مداخله در بحران سازمان بهزیستی و ۱۵ نفر از دختران نوجوان بازداشتگاه‌های زنان مراکز انتظامی که در دامنه‌ی سنی ۱۸-۱۴ سال بودند با روش تصادفی ساده به عنوان گروه مورد مطالعه انتخاب شدند. سپس، برای انتخاب گروه کنترل، ۳۰ نفر از دانش‌آموزان دبیرستانی مناطق آموزش و پرورش (۱۵، ۶، ۳) با روش نمونه‌گیری چند مرحله‌ای انتخاب شدند. جهت گردآوری داده‌های پژوهش، دو ابزار یعنی پرسشنامه‌ی سبک دلبستگی هازان - شیور (AAQ) و پرسشنامه احساس تنهایی UCLA روی افراد نمونه اجرا شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها علاوه بر ارائه‌ی فراوانی، درصد، میانگین، و انحراف استاندارد، از آزمون t برای گروه‌های مستقل، آزمون کای اسکور، آزمون‌های فای و کرامر v استفاده شد. داده‌های بدست آمده از دو گروه دختران دارای رفتار ضداجتماعی و دختران عادی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج حاصله نشان داد که سبک دلبستگی نایمن بویژه نایمن اجتنابی و نیز احساس تنهایی شدید تأثیر تعیین‌کننده‌ای بر بروز رفتارهای ضد اجتماعی دختران نوجوان دارد و دلبستگی ایمن عامل پیشگیری‌کننده از ارتکاب رفتارهای ضداجتماعی در دختران نوجوان می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: دلبستگی، احساس تنهایی، دختران نوجوان، رفتارهای ضداجتماعی.

مقدمه

در دو دهه‌ی اخیر رفتارهای ضد اجتماعی در نوجوانان توجّه محققان زیادی را به خود جلب کرده است زیرا گزارشات زیادی از افزایش تبهکاری نوجوانان و جوانان، مصرف و سوء مصرف مواد، خشونت و... خبر می‌دهند (گلوت^۱ و همکاران، ۱۹۹۸).

براساس (2000) DSM IV-TR^۲ رفتار ضد اجتماعی کودک یا نوجوان به رفتاری اطلاق می‌شود که بر اثر اختلال روانی ایجاد نمی‌شود و شامل اعمال ضد اجتماعی به تنهایی است نه یک الگوی رفتاری. طبق این تعریف، در اختلال سلوک باید الگوی تکراری حداقل سه رفتار ضد اجتماعی حداقل به مدت ۶ ماه وجود داشته باشد، اما رفتار ضد اجتماعی کودکی و نوجوانی ممکن است به صورت رویدادهای منفردی باشد که تشکیل‌دهنده‌ی اختلال روانی نیست. اما تبدیل به کانون توجّه بالینی می‌شود.

رفتارهای ضد اجتماعی از جمله رفتارهای ناسازگارانه‌ای است که از کودکان و نوجوانان سر می‌زند و با توجّه به پی آمدهای سوء آن یکی از عمده‌ترین آسیب‌های اجتماعی جامعه به شمار می‌رود که می‌تواند بهداشت روانی فرد و جامعه را تحت تأثیر قرار دهد. روند رو به افزایش این رفتارها نگرانی و هشدار صاحب نظران را به دنبال داشته است.

نظر به اهمیت و نقش تعیین‌کننده‌ی سلامت جسمانی و روانی کودکان و نوجوانان هر جامعه در تعیین بقاء و آینده‌ی مردم آن ملت و نیز تأثیرات سوء این رفتارها در سلامت روحی و روانی نوجوانان، پژوهش حاضر به بررسی تأثیر دو عامل روان‌شناختی سبک‌های دلبستگی^۳ و احساس تنهایی^۴ بر رفتارهای ضد اجتماعی^۵ دختران نوجوان پرداخته است. ضرورت اساسی این پژوهش شناخت اثر برخی عوامل روان‌شناختی نظیر سبک دلبستگی و احساس تنهایی بر رفتارهای ضد اجتماعی دختران نوجوان و فراهم آوردن پیشرفت فردی و اجتماعی نوجوان از طریق تعیین شرایط پیشگیری از مشکلات آنهاست که در چهارچوب شناخت عمیق مشکلات نوجوانان دارای رفتارهای ضد اجتماعی و مشخص کردن شرایط تامین بهداشت روانی در سطح فردی و اجتماعی و ارائه‌ی اقدامات لازم در این جهت به عنوان ضرورت‌های پژوهشی قابل تحقق است.

اهداف تحقیق

هدف اصلی این پژوهش شناخت اثر سبک‌های دلبستگی و احساس تنهایی بر بروز رفتارهای ضد اجتماعی در دختران نوجوان است. با کسب اطلاعات علمی از عوامل مؤثر بر رفتارهای

1. Gullott

2. DSM-IV-TR (Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders, 4th editoin, Text Revised)

3. Attachment

4. Loneliness

5. Antisocial behavior

ضداجتماعی نوجوانان، تا حد امکان از آسیب پذیری آنان در مقابل مشکلات کاسته می شود. در این بعد اهداف تحقیق بیشتر «عملی و کاربردی» است. پس اهداف اصلی تحقیق عبارتند از: شناخت تأثیر سبک دلبستگی (ایمن^۱، ناایمن اجتنابی^۲ و دوسوگرا یا اضطرابی^۳) و شناخت تأثیر میزان احساس تنهایی بر رفتارهای ضداجتماعی دختران نوجوان.

فرضیه ها

- با عنایت به اهداف و مساله‌ی تحقیق دو فرضیه اساسی در این تحقیق مورد آزمون علمی قرار می گیرند:
- ۱- بین سبک دلبستگی دختران نوجوان دارای رفتارهای ضداجتماعی و سبک دلبستگی دختران نوجوان عادی تفاوت وجود دارد.
 - ۲- بین میزان احساس تنهایی دختران نوجوان دارای رفتارهای ضداجتماعی و میزان احساس تنهایی دختران نوجوان عادی تفاوت وجود دارد.

مبانی نظری

دلبستگی گرایش پایدار شخص به تلاش ویژه‌ای است که برای دست یافتن به یا حفظ همجواری با یک شخص ویژه و ترجیح داده شده منجر به دست یافتن به، یا حفظ احساس ایمنی می گردد (برمن و اسپرلینگ^۴، ۱۹۹۴). هدف این رفتار نزدیکی و تماس با موضوع عشق است و از نظر روانی هدفش نیز احساس امنیت می باشد.

بالبی^۵ (۱۹۸۸) معتقد بود که ویژگی اصلی والدین خوب این است که منبع امنیت توسط هر یک از والدین برای کودک فراهم می شود. به این صورت که کودک یا نوجوان می تواند از پیلۀ خود به در آید و با جهان بیرونی ارتباط برقرار کند و مطمئن باشد که هر وقت به نزد والدین بازگردد با آغوش باز او را می پذیرند، از نظر فیزیکی و عاطفی او را تغذیه می کنند و اگر پریشان شد به او آرامش می دهند، اگر ترس داشت به او قوت قلب می دهند. در هر حال کودک یا نوجوان باید نسبت به تامین مراقبت و امنیت والدینی یک درک شهودی داشته باشد (لانیادو و هورنی^۶، ۱۹۹۹).

رفتار دلبستگی در آغاز هدفش حفظ مجاورت کودک و والدین است ولی به تدریج در خلال تحول بهنجار برای تضمین روابط عاطفی بین یک بزرگسال و بزرگسال دیگر بروز می کند. بنابراین رفتار دلبستگی و پیامدهای عاطفی آن در سرتاسر زندگی حاضر و فعال است و وجود آنها در فرد بزرگسال را نمی توان یک واپس روی مرضی به مرحله‌ی پایین تر و یا رفتاری رشد نیافته تلقی کرد. تجربه‌های فرد با موضوع دلبستگی اش در خلال سال‌های رشد نایافتگی (دوره کودکی و نوجوانی) مسیر رفتار و الگوی دلبستگی وی را در آینده تعیین می کنند، به این

1. Secured

2. Insecurely (avoidant)

3. Insecurely (ambivalent)

4. Berman & Sperling

5. Bowlby

6. Lanyado & Horne

ترتیب روابط عاطفی فرد در سراسر زندگی به چگونگی توحید یافتگی رفتار دلبستگی و چهار چوب شخصیت وی وابسته است (دادستان، ۱۳۷۶).

رفتار دلبستگی که هم از یک نیاز فطری و هم از اکتساب منتج می‌گردد، دارای کنش‌های مضاعف است یکی کنش حمایتی و دیگری کنش اجتماعی شدن. دلبستگی در جریان چرخه‌های زندگی از مادر به نزدیکان و سپس به بیگانگان و به گروه‌های بیش از پیش وسیع‌تری تسری می‌یابد و به صورت عاملی مهم در ساخت دهی شخصیت کودک در می‌آید، هر شکافی در مبادله زودرس نخستین روابط (که در جریان کودکی تا نوجوانی استقرار می‌یابد) ایجاد گردد می‌تواند تأثیر قاطعی بر تحول شخصیت داشته باشد و در آینده به اختلالات کم و بیش وخیم مرضی منجر گردد (منصور و دادستان، ۱۳۸۱).

رابطه‌ی بین دلبستگی ایمن و رشد سالم بعدی توسط برخی مطالعات حمایت شده است (الیکر^۱، انگلاند^۲ و سروف^۳، ۱۹۹۲؛ اریکسون^۴، سروف، انگلاند^۵، ۱۹۸۵؛ به نقل از چیس^۶، استوال^۷ و پوزیر^۸، ۲۰۰۰). لانیادو و هورنی (۱۹۹۹) مهم‌ترین عوامل محافظ در برابر رفتارهای ضداجتماعی را، دلبستگی یا وابستگی ایمن در نوزادی، شیوه‌های فرزندپروری قاطع و با ثبات والدینی و ثابت بودن مکان آموزشی و محل زندگی می‌دانستند. در همین راستا، خستو (۱۳۸۱) مهارت‌های زندگی، موفقیت‌های تحصیلی، نظارت والدینی و ارتباط ایمنی بخش را به عنوان مهم‌ترین عوامل محافظ معرفی می‌کند.

بنابراین یکی از مهم‌ترین عوامل محافظ و پیشگیری کننده‌ی رفتارهای ضداجتماعی تجربه‌ی شکل‌گیری ارتباط ایمنی بخش (دلبستگی) در خانواده و جامعه است. افزایش افراد دلسوز و مهربان در خانواده و دوستان و بزرگسالانی که می‌توانند به عنوان الگو برای نوجوانان باشند و در تصمیم‌گیری‌های زندگی و حل مسئله و مشکلات به آنها کمک کنند از بهترین منابع ایمنی بخش محسوب می‌شوند. دلبستگی به بزرگسالانی مهربان چون والدین نه تنها رفتارهای ضداجتماعی معمولی را کاهش می‌دهد بلکه پیش‌بینی کننده‌ی قوی برای کاهش رفتارهای ضداجتماعی شدید و مداوم است.

همچنین فنی و نولر^۹ (۱۹۹۶)، مطالعات لیونز روت و همکاران (۱۹۹۳) را که ارتباط بین دلبستگی ناایمن اولیه و مشکلات رفتاری را نشان داده و حمایت عملی کرده‌اند، گزارش کرده است. طبق نظریه‌ی دلبستگی بالبی، ناتوانی کودک در برقراری پیوند دلبستگی استوار با یک یا چند تن در سال‌های اولیه‌ی زندگی اش، با ناتوانی اش در برقراری روابط بین فردی نزدیک در

1. Elicker
4. Erickson
7. Stovall

2. Englund
5. Egeland
8. Pozier

3. Sroufe
6. Chase
9. Fenny & Noller

دوره‌ی بزرگسالی ارتباط دارد و ناتوانی در برقراری روابط بین فردی نزدیک باعث ناتوانی در برقراری روابط دوستانه با همسالان در کودکی و نوجوانی خواهد شد.

یک الگوی نظری نشان می‌دهد که فصل مشترک روابط خانوادگی و روابط با همسالان، نظریه دلبستگی است. توانایی کودکان و نوجوانان در ایجاد روابط دوستانه با همسالان برای رشد اجتماعی حائز اهمیت است. بچه‌هایی که قادر به ایجاد روابط دوستانه نیستند در زندگی آینده‌شان دچار ناسازگاری‌های اجتماعی از جمله بزهکاری، مشکلات سلامت روانی و ترک تحصیل می‌شوند (لاورا^۱، مک کلووسکی^۲ و استویگ^۳، ۲۰۰۱).

نظریه پردازان دلبستگی اظهار می‌دارند که (کودکان یا در آینده، بزرگسالان) آنچه را که از دلبستگی اولیه به والدینشان کسب کرده‌اند، یک الگوی عملی درونی^۴ از روابط به زندگی شخصی و اجتماعی آینده‌شان انتقال می‌دهند. شواهدی از تأثیر دلبستگی اولیه‌ی کودک -والد در روابط بعدی کودکان با همسالان وجود دارد. مطالعه‌ای از روابط کودک -والد در سنین یک تا سه سالگی و روابط بعدی با همسالان در پنج سالگی نشان داد که داشتن روابط ایمن کودک با والدین در دوران طفولیت احتمالاً باعث تعاملات هم زمان و صمیمی با بهترین دوستان در آینده می‌شود. براساس برخی نظریات، نظیر نظریه‌ی دلبستگی می‌توان گفت ناتوانی کودک در برقراری مناسبات و مبادلات اعتمادآمیز با دیگران به صورت بیماری‌های جسمی و روانی و گاهی توام با بزهکاری و جرم تجلی می‌کند. کودکی که مورد محبت همیشگی پدر و مادر قرار نمی‌گیرد احساس می‌کند که از طرف آنها انکار و طرد شده است. کودکان بزهکار اغلب کسانی هستند که دوست داشتن و اعتماد کردن به دیگران در آنها سرکوب شده است.

شیور و هازان (۱۹۸۵) ارتباط سه سبک دلبستگی آینس ورث^۵ (۱۹۹۳) را با احساس تنهایی در بزرگسالی بررسی کردند. آنان دریافتند که گروه‌های دارای دلبستگی نایمن با احتمال بیشتری خود را دارای احساس تنهایی می‌خوانند. این حالت و تصور تداوم آن در گروه اجتنابی بیشتر بود. گروه مضطرب -دوسوگرا در عین احساس تنهایی به برطرف شدن این حالت امیدوار بوده و در این راه تلاش می‌کردند. پژوهش‌هایی که در زمینه‌ی احساس تنهایی انجام شده است، رابطه‌ی این عامل را با الکلیسم (نرویاند و گراس^۶، ۱۹۷۶)، خودکشی (هولتز^۷، ۱۹۸۱، به نقل از حجت و کرن‌دال، ۱۹۸۹) نشان داده است. یافته‌های تانر^۸ (۱۹۷۳) بیانگر این بوده است که نوجوانان احساس تنهایی خود را به صورت‌های کناره‌گیری، افسردگی، مصرف مواد، بزهکاری، شکست تحصیلی و خودکشی نشان می‌دهند (داورپناه، ۱۳۷۳).

- | | | |
|---------------------------|--------------|--------------------|
| 1. Laura | 2. McCloskey | 3. Stuewig |
| 4. internal working model | 5. Ainsworth | 6. Neroynd & Grath |
| 7. Holtz | 8. Tanner | |

در مطالعه‌ای بر روی نوجوانان ۱۶-۱۲ ساله، اسپریوت و اسپریوت متز^۱ (۱۹۹۴) نشان دادند که یک نوجوان خسته و تنها، علایم بیمارگون بیشتری گزارش می‌دهد. دمدمی مزاج است و در رفتارهای خطرآفرین بیشتر درگیر می‌شود. در مطالعه‌ی دیگری اسپریوت و اسپریوت متز (۱۹۹۶) نشان دادند که وضعیت روانی اجتماعی منفی، نگرانی، عاطفه منفی، خستگی، احساس تنهایی و ارتباطات ناخوشایند با والدین، ۷ تا ۹ رفتار خطرآفرین (رفتار ضداجتماعی) را در نوجوانان پیش‌بینی می‌کنند.

در ایران نیز تحقیقاتی در زمینه رفتارهای ضد اجتماعی نوجوانان صورت گرفته است. اکثر این مطالعات به بررسی متغیرهای دموگرافیک پرداخته و تأثیر متغیرهایی نظیر سن، شغل، درآمد، تحصیلات والدین، جمعیت خانواده، ترتیب تولد و... را در بزهکاری نوجوانان مورد بررسی قرار داده‌اند (حسینیان، ۱۳۸۳؛ حقیقت دوست، ۱۳۸۳)، ولی این مطالعه به بررسی تأثیر دو عامل روانشناختی سبک دلبستگی و احساس تنهایی بر رفتارهای ضداجتماعی دختران نوجوان پرداخته است.

روش پژوهش

به خاطر گذشته‌نگر بودن مطالعه و نیز تلاش محقق برای رسیدن به علل این پدیده، از طریق خود آن (معلول) روش‌های علی - مقایسه‌ای (پس رویدادی) مناسب‌ترین روش در این پژوهش می‌باشد. روش‌های علی - مقایسه‌ای یا روش‌های پس رویدادی معمولاً به روش‌هایی اطلاق می‌شود که در آن پژوهشگر با توجه به متغیر وابسته به بررسی علل احتمالی وقوع آن می‌پردازد (سرمد، بازرگان، حجازی، ۱۳۷۸).

جامعه‌ی آماری

جامعه‌ی آماری این پژوهش دختران نوجوان (۱۸-۱۴ سال) شهر تهران بودند که در سال ۱۳۸۳ در دبیرستان‌های دخترانه‌ی تهران مشغول به تحصیل بوده و یا در مراکز نگهداری و سامان‌دهی سازمان بهزیستی (مراکز مداخله در بحران) و مراکز مفاصد اجتماعی نیروی انتظامی نگهداری می‌شدند.

روش نمونه‌گیری و تعداد نمونه

گروه مورد مطالعه (گروه اول) شامل ۱۵ نفر از دختران نوجوان بازداشت شده در مراکز نیروی انتظامی و ۱۵ نفر از مراکز مداخله در بحران اجتماعی سازمان بهزیستی در شمال، جنوب و مرکز تهران می‌باشند که پس از دستگیری به این مراکز ارجاع شده بودند. نمونه‌ی آماری گروه اول از بین افراد نگهداری شده در مراکز یاد شده با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. نمونه

1. Spruijt & Spruijt Metz

آماري گروه مورد مقايسه يا گروه گواه (گروه دوم) ۳۰ نفر از دختران نوجوان ۱۸-۱۴ ساله عادي بودند که در سال ۱۳۸۳ در دبیرستانهای مناطق شمال، جنوب و مرکز تهران مشغول به تحصیل بودند. نمونه آماری گروه گواه با روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای از دبیرستان‌های مناطق (۳، ۶، ۱۵) شهر تهران انتخاب شدند.

ابزار تحقیق

به منظور بررسی تأثیر دو عامل روان‌شناختی سبک دلبستگی و احساس تنهایی بر رفتارهای ضداجتماعی دختران نوجوان، از مقیاس سبک‌های دلبستگی بزرگسالان هازان - شیور (AAQ)^۱، و مقیاس احساس تنهایی (UCLA)^۲ استفاده شد و توسط نوجوان تکمیل شد.

روایی و پایایی مقیاس‌ها

در پژوهشی پاکدامن (۱۳۸۰) روایی و پایایی مقیاس سبک‌های دلبستگی بزرگسالان هازان - شیور (AAQ) را مورد بررسی قرار داد و پایایی آزمون با روش بازآزمایی بعد از یک ماه برای دلبستگی ایمنی بخش ۰/۳۷، برای دلبستگی اجتنابی، ۰/۵۶ و دلبستگی اضطرابی ۰/۷۲ گزارش داد و با ارزیابی میزان همبستگی سه توصیف اصلی AAQ به اعتبار واگرا یا تشخیصی (که نوعی اعتبار سازه است) این سه توصیف دست یافت و نشان داد این سه توصیف سه محتوای متفاوت از نظر دلبستگی را می‌سجد چرا که همبستگی دلبستگی ایمنی بخش با دلبستگی اجتنابی ۰/۱۰ - و با دلبستگی اضطرابی - دوسوگرا ۰/۵۴ - همبستگی دلبستگی اجتنابی با دلبستگی اضطرابی - دوسوگرا ۰/۱۴ بود.

در ارزیابی روایی و پایایی مقیاس احساس تنهایی (UCLA) در یکی از اولین بررسی‌ها با روش بازآزمایی با فاصله یک ماه ضریب پایایی ۰/۷۳ و ضریب آلفای ۰/۷۸ به دست آمده است (داورپناه، ۱۳۷۳). این مقیاس بر نمونه‌ای مرکب از ۱۳۱۵ دختر دانش‌آموز ۱۸-۱۲ ساله شهر تهران هنجاریابی شده است. میانگین و انحراف استاندارد نمرات این گروه $M = 40.06$ و $SD = 9.12$ بدست آمده است. زمانی می‌گوییم فردی دچار احساس تنهایی شدید و نابهنجار است که نمره‌اش در این آزمون یک انحراف استاندارد بالاتر از میانگین جامعه باشد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

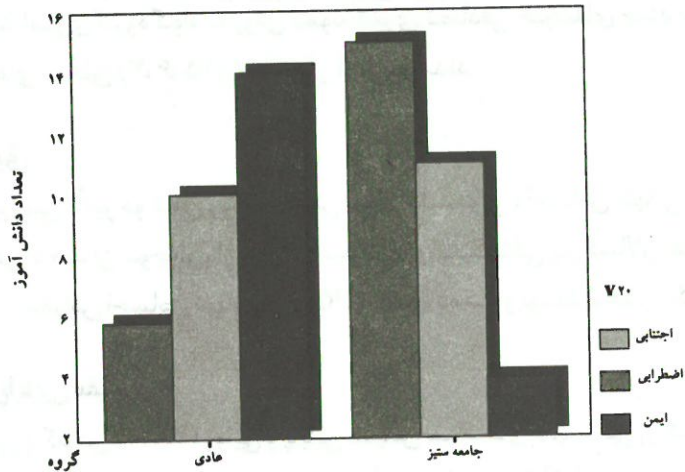
بررسی فرضیه‌ی اول در سطح توصیفی و استنباطی: فرضیه اول تحقیق بیانگر این ادعا بود که بین سبک دلبستگی دختران نوجوان دارای رفتارهای ضداجتماعی و سبک دلبستگی دختران نوجوان عادی تفاوت وجود دارد.

1. Hazan & Shaver's Adult Attachment Questionnaire (AAQ)

2. UCLA Loneliness Scale

نمودار ۱. مقایسه توزیع فراوانی انواع سبک‌های دل‌بستگی در دو گروه

دختران نوجوان عادی و ضداجتماعی



در نمودار شماره ۱ حروف av، an و s به ترتیب نشانگر سبک دل‌بستگی نایمن اجتنابی، سبک دل‌بستگی نایمن اضطرابی و سبک دل‌بستگی ایمن می‌باشند.

جدول شماره ۱. آزمون مجذور خی و آزمون‌های تکمیلی برای مقایسه‌ی نسبت‌های دو گروه در متغیر سبک‌های دل‌بستگی

گروه‌ها			متغیر	
مجموع	ضد اجتماعی	عادی	فراوانی	
۲۱	۱۵ (۵۰٪)	۶ (۲۰٪)	فراوانی	اجتنابی
۲۱	۱۰/۵	۱۰/۵	مورد انتظار	
۲۱	۱۱ (۳۷٪)	۱۰ (۳۳٪)	فراوانی	اضطرابی
۲۱	۱۰/۵	۱۰/۵	مورد انتظار	
۱۸	۴ (۱۳٪)	۱۴ (۴۷٪)	فراوانی	ایمن
۱۸	۹	۹	مورد انتظار	
۶۰	۳۰	۳۰	فراوانی	مجموع
۶۰	۳۰	۳۰	مورد انتظار	
معناداری		درجه‌ی آزادی	ارزش	
۰/۰۰۹		۲	۹/۴۶۰	نتیجه‌ی آزمون مجذور خی
معناداری		ارزش		آزمون‌های تکمیلی
۰/۰۰۹		۰/۳۹۷		نتیجه‌ی آزمون فای
۰/۰۰۹		۰/۳۹۷		نتیجه‌ی آزمون کرامر V

همان‌گونه که در جدول ملاحظه می‌شود نسبت سبک‌های دل‌بستگی اجتنابی، اضطرابی و ایمن در گروه ضداجتماعی به ترتیب (۰/۵۰، ۰/۳۷، ۰/۱۳) و در گروه عادی به ترتیب (۰/۲۰، ۰/۳۳، ۰/۴۷) می‌باشد.

نتیجه‌ی حاصل از اجرای آزمون مجذور خی $\chi^2=9/46$ ، $P \leq 0/01$ شده است. تحلیل یافته‌ها نشان می‌دهد که تفاوت بین سبک‌های دل‌بستگی در دو گروه در سطح $P \leq 0/01$ معنادار است. براساس ارزش آزمون فای و کرامر $V(0/397)$ قدرت رابطه‌ی بین متغیرهای سطر و ستون بالا می‌باشد یعنی بین سبک‌های دل‌بستگی و رفتار ضداجتماعی رابطه‌ی معنادار وجود دارد.

جدول شماره ۲. آزمون مجذور خی برای مقایسه‌ی نسبت‌های دو گروه دختران نوجوان عادی و

ضداجتماعی در متغیر سبک دل‌بستگی ایمن و نایمن

گروه‌ها			متغیر		
مجموع	ضداجتماعی	عادی	فراوانی		
۱۸	۴	۱۴	فراوانی	دل‌بستگی ایمن	
۱۸	۹	۹	مورد انتظار		
٪۳۰	٪۱۳/۳	٪۴۶/۷	درصد		
۴۲	۲۶	۱۶	فراوانی	دل‌بستگی نایمن	
۴۲	۲۱	۲۱	مورد انتظار		
٪۷۰	٪۸۶/۷	٪۵۳/۳	درصد		
معناداری		درجه آزادی	ارزش		
۰/۰۰۵		۱	۷/۹۴	نتیجه‌ی آزمون مجذور خی	
معناداری		ارزش		آزمون‌های تکمیلی	
۰/۰۰۵		۰/۳۴		نتیجه‌ی آزمون فای	
۰/۰۰۵		۰/۳۴		نتیجه‌ی آزمون کرامر V	

بررسی این فرضیه در سطح توصیفی نشان می‌دهد که ۸۶/۷ درصد دختران نوجوان دارای رفتار ضداجتماعی سبک دل‌بستگی نایمن و ۱۳/۳ درصدشان دارای سبک دل‌بستگی ایمن می‌باشند. در حالی که ۵۳/۳ درصد دختران نوجوان عادی دارای سبک دل‌بستگی نایمن و ۴۶/۷ درصدشان دارای سبک دل‌بستگی ایمن می‌باشند.

نتایج حاصل از اجرای آزمون مجذور خی $\chi^2=7/94$ و $P \leq 0/010$ شده است. تحلیل یافته‌ها نشان می‌دهد که دختران دارای رفتارهای ضداجتماعی در مقایسه با دختران عادی در سطح

۰/۰۱۰ ≤ P سبک دل‌بستگی نایمن‌تری دارند و رابطه‌ی بین این دو متغیر به لحاظ آماری معنادار است. برای ارزیابی قدرت رابطه‌ی بین متغیرهای سطر و ستون در جداول توافقی ۲×۲ از آزمون فای و کرامر استفاده می‌شود. بطور سنتی ارزش فای ۰/۳۴ نشان دهنده‌ی میزان رابطه بین سطر و ستون است. در این پژوهش ضریب فای ۰/۳۴ نشانگر رابطه‌ی معنادار بین سبک دل‌بستگی و رفتار ضداجتماعی است.

آزمون فرضیه‌ی دوم تحقیق: فرضیه‌ی دوم تحقیق عبارت بود از این که بین میزان احساس تنهایی دختران نوجوان دارای رفتارهای ضداجتماعی و احساس تنهایی دختران نوجوان عادی تفاوت وجود دارد.

جدول شماره ۳. میانگین و انحراف استاندارد احساس تنهایی در دو گروه

دختران نوجوان عادی و ضداجتماعی

گروه	آماره	احساس تنهایی
عادی	میانگین	۴۰/۴۰
	انحراف استاندارد	۱۰/۰۴
	تعداد	۳۰
ضداجتماعی	میانگین	۵۱/۱۷
	انحراف استاندارد	۱۳/۸۶
	تعداد	۳۰

در سطح توصیفی، نتایج مندرج در جدول ۳ نشان می‌دهد که میانگین نمرات گروه دارای رفتارهای ضداجتماعی در متغیر احساس تنهایی (۵۱/۱۷) بیشتر از میانگین نمرات گروه عادی (۴۰/۴۰) است. با توجه به این که در هنجاریابی این مقیاس میانگین و انحراف استاندارد احساس تنهایی در جامعه‌ی نوجوانان عادی ۱۸-۱۲ ساله به ترتیب مساوی ۴۰/۰۶ و ۹/۱۲ بدست آمده است، زمانی می‌گوییم که فردی دچار احساس تنهایی شدید و ناپه‌نچار است که نمره‌اش در این مقیاس یک انحراف استاندارد بالاتر از میانگین جامعه باشد (داورپناه، ۱۳۷۳). در پژوهش حاضر میانگین احساس تنهایی دختران نوجوان دارای رفتار ضداجتماعی یک انحراف معیار بالاتر از میانگین جامعه است. بنابراین با توجه به داده‌های فوق می‌توان گفت که نوجوانان دارای رفتارهای ضداجتماعی تنهایی شدیدی را احساس می‌کنند که ممکن است باعث سوق دادن آنها به سوی رفتارهای ضداجتماعی شود.

جدول شماره ۴. آزمون t برای مقایسه‌ی میانگین‌های احساس تنهایی دو گروه

عادی و ضداجتماعی

معناداری دو دامنه	درجه‌ی آزادی	ارزش t	واریانس‌ها	تفاوت میانگین
۰/۰۰۱	۵۸	-۳/۴۵	همسان	احساس تنهایی
۰/۰۰۱	۵۲/۸۷	-۳/۴۵	ناهمسان	
آزمون همسانی واریانس‌های لوین				
معناداری	F		شاخص	
۰/۴۳	۰/۶۲		احساس تنهایی	

براساس آزمون همسانی واریانس‌های لوین تفاوت واریانس‌های دو گروه در متغیر احساس تنهایی معنادار نیست. یعنی در سطح آمار استنباطی نتایج حاصل از آزمون t بر این امر اشاره دارد که تفاوت میانگین نمرات دو گروه در متغیر احساس تنهایی به لحاظ آماری در سطح $P \leq 0/001$ معنادار است، بنابراین فرضیه‌ی دوم تحقیق در سطح $P \leq 0/001$ تایید می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

پیوند دل‌بستگی بزرگسالان مبتنی بر احساس ایمنی، احساس مورد نیاز بودن، احساس قدرت بخشندگی است و فقدان آن احساس تنهایی و اضطراب را در پی دارد. اضطراب در سرتاسر زندگی تجربه می‌شود. انسان‌ها به عنوان افرادی بزرگسال وقتی که توسط یک محیط خصمانه با کناره‌گیری یا فقدان موضوعات مورد دل‌بستگی خود تهدید می‌شوند، هنوز به موضوعات مورد دل‌بستگی شان احساس نیاز می‌کنند و اگر آن را بیابند، به احساس راحتی و ایمنی دست می‌یابند.

سبک دل‌بستگی تعیین‌کننده‌ی بهداشت و سلامت روان فرد در موقعیت‌های استرس‌زا و همچنین کاربرد شیوه‌های خاص در مواجهه با شرایط تهدیدکننده و سازش اجتماعی است. لذا افرادی که دارای سبک دل‌بستگی ایمن هستند از خطرات نمی‌ترسند زیرا در موقعیت‌های خطرزا خود را تنها احساس نمی‌کنند (میکولینسر^۱ و همکاران، ۱۹۹۰). دل‌بستگی ایمن منعکس‌کننده‌ی قوانینی است که به فرد اجازه می‌دهد اضطراب را بشناسد و برای دستیابی به حمایت به سوی دیگران برگردد. ولی در دل‌بستگی اجتنابی فرد از ایجاد روابط صمیمانه با دیگران اجتناب می‌کند و در مواجهه با مشکلات به جستجوی حمایت از دیگران بر نمی‌آید.

نتایج مطالعه‌ی حاضر نشان می‌دهد که دو گروه دختران نوجوان عادی و دختران نوجوان با رفتارهای ضداجتماعی از نظر متغیرهای سبک دلبستگی و احساس تنهایی به لحاظ آماری تفاوت معنادار دارند. یافته‌های تحقیق در زمینه‌ی دلبستگی دختران نوجوان، نشان می‌دهد که دختران دارای رفتارهای ضداجتماعی در مقایسه با دختران عادی سبک دلبستگی ناایمن تری دارند یعنی بین دلبستگی ناایمن دختران نوجوان و رفتارهای ضداجتماعی رابطه‌ی مثبت معناداری دیده می‌شود.

با توجه به این که سبک‌های دلبستگی در سال‌های اولیه‌ی زندگی شکل می‌گیرد و تا بزرگسالی تداوم می‌یابد، لذا می‌توان گفت که روابط اولیه‌ی مادر کودک نقش موثری در رفتارهای بعدی شخص دارد. برخی از مطالعات ارتباط بین دلبستگی ناایمن اولیه و مشکلات رفتاری که به دنبال آن می‌آید را حمایت عملی کرده‌اند (گرین‌برگ^۱، ۱۹۸۸؛ به نقل از فنی نولتر، ۱۹۹۶). یافته‌های این تحقیق با نتایج مطالعات راتر^۲ (۱۹۸۱) و بروک، و همکاران (۱۹۹۳) نیز که رابطه‌ی رفتارهای ضداجتماعی و دلبستگی ناایمن را تایید کرده‌اند همخوانی دارد. برخی مطالعات دیگر نیز از رابطه‌ی بین دلبستگی ایمن و رشد سالم بعدی حمایت کرده‌اند (الیگر، انگلاند و سروف^۳، ۱۹۹۲؛ سروف، ۱۹۸۳؛ به نقل از چیس^۴ و همکاران، ۲۰۰۰). نتایج پژوهش حاضر با یافته‌های مطالعات محققان فوق همسو است.

به علاوه نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که توزیع درصد سبک دلبستگی در دختران نوجوان دارای رفتار ضداجتماعی با دختران عادی تفاوت معناداری دارد. یعنی دختران دارای رفتارهای ضداجتماعی بیشتر دارای سبک دلبستگی ناایمن اجتنابی (۵۰ درصد) ولی دختران عادی بیشتر دارای سبک دلبستگی ایمن (۴۷ درصد) هستند. حمیدی (۱۳۸۲) نیز در مطالعه بر روی دختران فراری همین نتایج را بدست آورد با این تفاوت که وی سبک دلبستگی ناایمن اضطرابی را در دختران فراری بیشتر از جامعه‌ی بهنجار برآورد کرد.

نتایج پژوهش حاضر رابطه‌ی بین رفتارهای ضداجتماعی و احساس تنهایی را نیز تایید می‌کند و نشان می‌دهد که احساس تنهایی در سوق دادن نوجوان به سمت رفتارهای ضداجتماعی نظیر فرار، مصرف مواد و بی بند و باری جنسی نقش مؤثری دارد. اسپریوت و اسپریوت متز (۱۹۹۶) نیز در مطالعاتی تنهایی و ارتباطات ناخوشایند با والدین، ۷ تا ۹ رفتار خطرآفرین (رفتار ضداجتماعی) را در نوجوانان پیش‌بینی می‌کنند، می‌توان گفت که یک نوجوان خسته و تنها علائم بیمارگون بیشتری گزارش می‌دهد، دمدمی مزاج است و در

1. Greenburg

2. Rutter

3. Elicker, England & Sroufe

4. Chase

رفتارهای خطر آفرین بیشتر درگیر می‌شود. نتایج این مطالعات و نیز نتایج مطالعات اسپریوت و اسپریوت متز (۱۹۹۶) و هورلتز (۱۹۸۱) نیز در زمینه‌ی احساس تنهایی، مؤید نتایج پژوهش حاضر است و از رابطه‌ی دلبستگی و آسیب روانی حمایت می‌کند و نقش راهبردهای جبرانی نوجوانان ناایمن را به عنوان یک عامل خطر در سلامت روانی برجسته می‌سازد.

در زمینه‌ی ارتباط بین سبک دلبستگی و احساس تنهایی نتایج پژوهش حاضر نشان داد که دختران نوجوان دارای رفتارهای ضداجتماعی که سبک دلبستگی ناایمن تری داشتند و تنهایی بیشتری هم احساس می‌کردند. منطبق با این نتایج شیور و هازان (۱۹۸۵) در بررسی ارتباط سبک‌های دلبستگی آینس ورث و احساس تنهایی در بزرگسال نشان دادند که گروه‌های دارای دلبستگی ناایمن با احتمال بیشتری خود را دارای احساس تنهایی می‌خوانند. این حالت و تصور تداوم آن در گروه اجتنابی بیشتر بود. گروه مضطرب-دوسوگرا در عین احساس تنهایی به برطرف شدن این حالت امیدوار بوده و در این راه تلاش می‌کردند (حجت و کراندال، ۱۹۸۹).

یافته‌های مهم دیگری که در این تحقیق ملاحظه شد این است که دو گروه دختران نوجوان عادی و دختران نوجوان دارای رفتارهای ضداجتماعی از نظر سبک دلبستگی اضطرابی تفاوت معناداری با هم ندارند و تفاوت اساسی دو گروه در سبک‌های اجتنابی و ایمن است. پس می‌توان نتیجه گرفت که سبک دلبستگی اجتنابی عامل مؤثر بر رفتارهای ضداجتماعی دختران نوجوان است و از سوی دیگر بالا بودن میزان سبک دلبستگی اضطرابی در هر دو گروه هشدار به والدین و مسئولین است، چرا که دلبستگی اضطرابی نیز سبک دلبستگی ناایمنی است که مشکلاتی در روابط بین فردی ایجاد می‌کند.

همان طور که نتایج این پژوهش نشان داد، دلبستگی اجتنابی و احساس تنهایی شدید در دختران نوجوان دارای رفتارهای ضداجتماعی بیشتر از دختران نوجوان عادی مشاهده می‌شود. از یافته‌های این پژوهش می‌توان در پیشگیری، اصلاح و تغییر رفتار و درمان رفتار نوجوانان در معرض خطر و مبتلا استفاده کرد و با ارائه‌ی آموزش‌های لازم به معلمان، مربیان، و والدین، بویژه مادران در جهت بهبود روابط اولیه‌ی والد-کودک اقدام نمود زیرا که پیشگیری اولیه همیشه بهتر از درمان‌های بعدی و پرهزینه است.

منابع

فارسی

پاکدامن، شهلا. (۱۳۸۰). بررسی ارتباط بین دلبستگی و جامعه‌طلبی در نوجوانی. دانشکده‌ی روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران.

حسینیان، سیمین. (۱۳۸۳). بررسی خصوصیات دموگرافیک نوجوانان فراری و خانواده‌هایشان بمنظور پیش‌بینی و پیش‌گیری از رفتار فرار. چکیده مقالات نخستین کنگره آسیب‌شناسی خانواده در ایران. تهران: انتشارات پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی. ص ۵۴.

حقیقت دوست، زهرا. (۱۳۸۳). عوامل زمینه‌ساز فرار دختران از خانه. فصلنامه رفاه اجتماعی. شماره ۱۳. تهران: انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی.

حمیدی، فریده. (۱۳۸۳). بررسی ساخت خانواده، دلبستگی در دختران فراری و اثربخشی خانواده‌درمانی و درمانگری حمایتی در تغییر آنها. چکیده مقالات نخستین کنگره آسیب‌شناسی خانواده در ایران. تهران: انتشارات پژوهشکده خانواده، دانشگاه شهید بهشتی.

خستو، گل‌آرا. (۱۳۸۱). پیشگیری از سوء مصرف مواد و وابستگی با رویکرد اجتماع محور؛ فصلنامه رفاه اجتماعی. شماره ۶. تهران: انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی.

دادستان، پریخ. (۱۳۷۶). نوجوانی و تخدیرطلبی. مجله روانشناسی. شماره ۳. ص ۲۰۷-۲۲۳.

داورپناه، فروزنده. (۱۳۷۳). هنجاریابی نسخه تجدیدنظر شده احساس‌تنباهی UCLA برای دختران ۱۲-۱۸ ساله تهران. دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی.

سرمد، زهره، بازرگان، عباس، حجازی، الهه. (۱۳۷۹). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری (چاپ چهارم). تهران: انتشارات آگاه.

منصور، محمود و دادستان، پریخ. (۱۳۸۱). روانشناسی ژنتیک (۲) از روان‌تحلیل‌گری تا رفتارشناسی. تهران: انتشارات رشد.

انگلیسی

- American Psychiatric Association. (2000). *diagnostic and statistical manual of mental disorders*, 4th edition, Text Revised, DSM-IV-TR. Washington DC: Author.
- Berman, W. H. & Sperling, M. B. (1994). The structure and function of adult attachment. In M. B. Sperling & W. H. Berman (Eds). *Attachment in adult*. pp 1-28. NewYork: Gilford Press.
- Chase, K., Stovall & Pozier, M. (2000). The development of attachment in new relation: single subject analyses for 10 foster infants. *Journal of Development and Psychopathology*. Spr; 12 (2)
- Fenny, J. A., & Noller, P. (1996). attachment style as a predictor of adult romantic relationships. *Journal of personality and social psychology*. 58(2): 281-291.
- Gullota, T., Adams, G., & Montemayor, R. (1998). *delinquent violent youth theory and interventions*. pp:144-174, Newbury Park, CA: Sage publications Inc.
- Hojat. M. & Crandall, R. (1989). *Loneliness: theory, research and applications*. California: Sage publications Inc.

- Lanyado, Monica & Horne, A. (1999). *The Handbook of Child & Adolescent Psychotherapy (Psychoanalytic Psychotherapy)*. Sage publications Inc.
- Laura, M. C. Loskey & Stuewig. J. (2001). The quality of peer relation among children exposed to family violence. Harvard University and Arizona State University. *Journal of Development And Psychology*. Win; 8 (1).
- Spruijt, Metz. (1996). *Adolescent Affect and Health*. Published for the European association for research on adolescent.

